

فرهنگ



از آنکه مستحق باشد دیده شود و رکوردی را خوبی را به جا بگذارد. از انصاف نباید گذشت که اوپنهایمر هر چند در فیلم نامه یک اثر معمولی است اما در ابعاد فنی با بهره گیری از بهترین تکنولوژی های روز توانسته یک اثر فاخر باشد. استفاده از بهترین دوربین ها با بالاترین وضوح در کنار طراحی صحنه بی نظیر و حضور یک کارگردان با تجربه مانند کریستوفر نولان این اثر را در ابعاد فنی به یک فیلم قابل قبول تبدیل کرده است. شاهکاری که با تمام نواقض مخاطب را سه ساعت پای کار خود می نشانند.

جریان رسانه ای تعریف و تمجیدها از این فیلم سبب شده تا نولان را به واکنش عجیب وادار کند و خود زبان به تعریف و تمجیدهای گل درشت از فیلمش بپردازد. نولان درباره موفقیتش در فیلم اوپنهایمر به بی بی سی گفته است: «او به انسان این قدرت را داد که خودش را نابود کند، چیزی که هرگز قبلاً رخ نداده بود.» تعریف و تمجیدهایی که واکنش برخی رسانه ها را به همراه داشته، تیره هایی با این عنوان «نولان مغرور شده است» این فیلم ساز ۵۳ ساله که فیلمش نامزدی دستاورد در بخش باکس آفیس گلدن گلوب را به دست آورده است و تلاش می کند اولین اسکار خود را بابت این فیلم بدست آورد، او در ادامه گفته است: «من ۲۰ سال است که در بریتانیا، این کار را انجام می دهم و این فیلم پرفروش ترین فیلم من است می تواند بازگشت مخاطب را تضمین کند و چرخه اقتصاد هالیوود و هزینه ساخت و توزیع بسیاری از انواع دیگر فیلم ها را نیز به همراه داشته باشد.»

با توجه به موج حمایت های رسانه ای برای بزرگ نمایی از اوپنهایمر پیش بینی می شود، این فیلم بعد از دریافت پنج جایزه بهترین فیلم درام، بهترین کارگردانی برای «کریستوفر نولان»، بهترین موسیقی متن و همچنین جوایز بازیگری برای «کیلین مورفی» و «رابرت داوونی جونور» در گلدن گلوب با همین دست فرمان در اسکار هم رکورد شکن شود اما پیش از اینکه جایزه اسکارش اعلام شود، جشنواره های دیگر در نوبت اند تا از این فیلم تقدیر ویژه کنند. مانند همین هالیوود رپورتر که فیلم زندگینامه ای «اوپنهایمر» را یک موفقیت تجاری در گیشه توصیف کرده است. قرار است در ساترن ۲۰۲۴ که در چهارم فوریه برگزار می شود، از نولان تجلیل به عمل آید. امیلی بلانت بازیگر «اوپنهایمر»، جایزه ساترن را به این کارگردان اهدا کند.

قمار هالیوود روی اوپنهایمر

هانیه شجاعی زیند
خبرنگار

«اینک من خود مرگ شده ام... ویرانگر دنیاها» این یک خطی فیلمی است که برخی آن را مهم ترین فیلم قرن حاضر تا به اینجا نامیده اند. پرتره ای از یک فیزیکدان آمریکایی که برای آمریکا پیروزی و برای جهان یک تراژدی را خلق کرد. تریلری از زندگینامه «اوپنهایمر» خالق بمب اتم که سوژه آخرین فیلم کریستوفر نولان شد. نولان بعد از فیلم نه چندان موفق تنت بار دیگر سوژه فیلم خود را بر سه اصل سیاست، علم و جنگ پایه گذاری کرد. این فیلم هم مثل اثر قبلی نولان یعنی فیلم «اندک» بیشتر توجهش روی بحران اروپایی و حول محور متفقین بنا شده است. فیلمی که پیش از آن که پایش به سالن های سینما باز شود و روی پرده نمایش بنشیند خیلی قبل تر از اینکه بلیتی فروخته شود و در دنیا دست به دست شود و تمام مجلات این فیلم را به بحث اول خود تبدیل کنند، کسانی خواستند که این فیلم دیده شود و دیده شد. اما این قضاوت از کجا می آید؟



برای پرومته آمریکایی بابت بمباران اتمی ژاپن تمام قد دست بزند. «اوپنهایمر» به مدد جریاناتی توانست بیش

بدهد و در ذهن خود از زندگی او یک تراژدی خلق کند و مرزهای اخلاقی در علم را نادیده بگیرد و در نهایت در پایان فیلم، مخاطب

با توجه به تجربه فیلم های قبلی نولان هر چند این فیلم مورد تحسین گسترده منتقدان و تماشاگران قرار گرفته است و توانسته موفقیت بزرگی در گیشه داشته باشد و آن را به یک شاهکار سینمایی تبدیل کند اما منتقد هم کم ندارد. اگر از تحریف تاریخی فیلم عبور کنیم، به گفته برخی از اهالی منتقدان «اوپنهایمر» یکسره «حرف زدن بی وقفه» استونقدهایی که فروش بالا و رکوردشکنی های آن را زیر سؤال میبرد. رکوردشکنی هایی مانند، فروشی معادل ۷۳۰ میلیون دلار در سراسر جهان که حتی رکود فروش فیلم های پیشین نولان را هم در هم شکست. فیلم هایی مانند بتمن که شاید کمتر کسی گمان می کرد روزی رکورد فروش - اش شکسته شود. فروش ۱۵۴.۵ میلیون دلاری اوپنهایمر از سالن های سینمایی «آی مکس» و رقم ۷۰.۴ میلیون دلار از سینماهای خارج از آمریکا، فیلم اوپنهایمر را به پنجمین اسکران بزرگ آی مکس و همچنین ششمین اسکران بین المللی برتر تبدیل کرده است. در اینکه فیلم اوپنهایمر یک فیلم خوب و جالب توجه است شکی نیست اما اینکه در مقایسه با سایر آثار نولان مانند دانکرک و یا شوالیه تاریکی و حتی تلقتین بهترین باشد قطعاً جز خوب های فیلم نولان محسوب نمی شود، اما اینکه چرا تا این حد اوپنهایمر در جهان اقبال داشته است و توانسته در گیشه رکورد بهترین های نولان را در هم شکند باید در تبع هالیوود و در خدمت جریانات رسانه ای و فکری آن ها ببینیم. جریان نولان همواره تلاش کرده تا فیلم مستقل خود را بسازد و در ورطه این جریان قرار نگیرد. اما به هر حال تاریخ ثابت کرده است که جریانات اصلی سینما و رسانه هر فیلم ساز بزرگی را به درون خودشان می کشند و می بلعند و اوپنهایمر نولان نمونه ای کامل از فیلمی است که روی همین مدار قدرت و سیاست قرار گرفته است.

فیلمی که حتی حضور کسانی مانند کلین مورفی هم در حد و اندازه های خودش نیست. حتماً کلین مورفی بازیگر خوبی است اما مقایسه بازی او در فیلم پیکو بلاینرز توقعی را در ذهن مخاطب ایجاد کرده که تلاش می کند. همان کیفیت بازی را در فیلم اوپنهایمر هم ببیند اما آن گونه نیست. در نهایت ترکیب احساس با روایت سه ساعته از داستان زندگی اوپنهایمر سبب می شود تا مخاطب بعد از سه ساعت همراهی با نقش اول فیلم با او همزاد پنداری کند و بابت بمباران هیروشیما و ناگاساکی حق را به او



در اینکه فیلم اوپنهایمر یک فیلم خوب و جالب توجه است شکی نیست اما اینکه در مقایسه با سایر آثار نولان مانند دانکرک و یا شوالیه تاریکی و حتی تلقتین بهترین باشد قطعاً جز خوب های فیلم نولان محسوب نمی شود، اما اینکه چرا تا این حد اوپنهایمر در جهان اقبال داشته است و توانسته در گیشه رکورد بهترین های نولان را در هم شکند باید در تبع هالیوود و در خدمت جریانات رسانه ای و فکری آن ها ببینیم